

دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت

سال چهارم، شماره ۸، پائیز و زمستان ۱۳۹۶

بررسی حقوق کارشناسان رسمی دادگستری در حقوق ایران

سید رسول صمدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

چکیده

مقرراتی در خصوص کارشناسی حاکم است که با مطالعه و بررسی دقیق آن‌ها ابعاد مختلف این نهاد حقوقی مشخص می‌شود. اشخاصی که با تکیه بر توانایی‌های فنی و علمی در رشته‌های مختلف، مردم و نهادها و دستگاه قضایی را در جهت دستیابی به نتایج درست در حل اختلافات موجود و احقاق حقوق مراجعه‌کنندگان یاری می‌نمایند، کارشناس نام دارند که در صورت احراز شرایط خاص قانونی و دریافت پروانه کارشناسی، تحت عنوان کارشناس رسمی و در غیراین‌صورت به‌عنوان خبره یا کارشناس غیررسمی شناخته می‌شوند. برخی از حقوق کارشناسان مانند حق‌الزحمه کارشناسی، در قوانین مربوط به کارشناسی مورد توجه قرار گرفته؛ ولیکن به‌نظر می‌رسد حقوق دیگری هم‌چون عدالت در ارجاع و استقلال کارشناس و یا مصونیت در برابر توهین بیمه و بازنشستگی، می‌توان برای کارشناسان در نظر گرفت که حتی بخشی مانند مصونیت در برابر توهین در قوانین سابق مورد اشاره قرار گرفته؛ ولی با تصویب قانون کارشناسان رسمی دادگستری در سال ۱۳۸۱ و نسخ کلیه قوانین سابق، دیگر جایگاهی در قوانین جدید ندارد، یا حقوقی مثل عدالت در ارجاع و استقلال کارشناس و بیمه و بازنشستگی، اساساً مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است.

کلیدواژه: کارشناسی، کارشناس رسمی دادگستری، عدالت در ارجاع، استقلال کارشناس

مقدمه

کارشناسی یکی از ابزارهای است که به واسطه آن می‌توان از مهارت‌های فنی و تخصصی و توانایی‌های علمی متخصصین به نام کارشناس در رشته‌های مختلف برای دستیابی به نتایج درست در امور فنی و اتخاذ تصمیم صحیح و عادلانه در پرونده‌های قضایی و حل و فصل دعاوی و اختلافات استفاده کرد، چراکه با توجه به پیشرفت روزافزون علوم مختلف و پیچیدگی‌های علمی موجود و توان علمی محدود بشر، این امکان را به قاضی نمی‌دهد تا در تمامی علوم سررشته و مهارت داشته باشد و به همین دلیل است که گاه برای رسیدگی به پرونده‌ها نیاز به استفاده از تخصص و مهارت‌های فنی کارشناسان دارد، این‌جاست که اهمیت کارشناسی و کارشناس بیشتر نمایان می‌شود. نهادی با این اهمیت قطعاً باید کاملاً نظام‌مند و با مقررات خاص مدیریت شود و اشخاصی که به عنوان کارشناس در امور فنی اظهار نظر می‌کنند، نیز باید از حقوق و امتیازاتی برخوردار باشند. سابقه کارشناسی در سیره معصومین (ع) و علمای دین غیرقابل انکار است و مقررات کارشناسی در حقوق ایران به تصویب قانون اصول محاکمات حقوقی و جزایی باز می‌گردد که در آن به اهل خبره اشاره شده بود و پس از آن در قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ به طور تخصصی و جداگانه به مقررات کارشناسی پرداخته بود. با گذشت زمان و تصویب قوانین مختلف و اصلاحات در قوانین سابق، نهایتاً قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸ با نسخ قوانین و مقررات سابق، آخرین قانون حاکم بر کارشناسان رسمی است که در آن به طور مستقل به حقوق و تکالیف کارشناسان اشاره شده است. در قوانین دیگر نیز مانند قانون آئین دادرسی مدنی و تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری که آخرین نسخه آن در سال 1392 به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده، به مقررات مربوط به کارشناسی پرداخته است.

مطابق ماده ۱ قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۸۱ قانون کارشناسان، مرجع غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی است و شاید به خاطر همین غیردولتی و غیرانتفاعی بودن است که کارشناسان عضو آن علی‌رغم این‌که در خدمت دستگاه قضایی و تحت نظارت و حاکمیت دستگاه قضایی هستند، از حقوقی هم‌چون بیمه و بازنشستگی بی‌بهره‌اند و صرفاً حق الزحمه کارشناسی را تنها حق خود می‌دانند و فراتر از آن به چیزی نمی‌اندیشند و در مقابل خود را در مقابل انبوهی از تکالیف

می‌بینند که عدم رعایت آن‌ها تخلف و مستوجب مجازات انتظامی می‌باشد و در صورتی که علاوه بر جنبه انتظامی دارای جنبه کیفری باشد، باید مورد مجازات کیفری نیز قرار بگیرند و طبعاً از عهده مسئولیت مدنی فعل زبان‌بار خود نیز برآیند.

مفهوم حق

حق در اصطلاح عبارتست از توانایی که شخص بر چیزی یا بر کسی داشته باشد، اصل این است که حق قابل انتقال به غیر و نیز قابل اسقاط است، ممکن است حقی مشاع باشد. در نظام حقوقی، واژه حقوق، جمع حق است و کاربردهای متفاوت و گوناگون دارد:

الف) حقوق به مجموع قواعد و مقررات الزام‌آوری گفته می‌شود که حاکم بر روابط افراد جامعه و تنظیم‌کننده روابط اجتماعی است. حقوق در این معنا با واژه انگلیسی (law) و نیز واژه عربی قانون معادل است.

ب) واژه حقوق در کاربرد دیگر، به امتیازات و اختیاراتی گفته می‌شود که افراد جامعه از آن برخوردارند، مانند: حق مالکیت، آزادی، حق رای و ... حقوق در این مفهوم هم به صورت جمع و هم به صورت مفرد (حق) به کار می‌رود. معادل انگلیسی این واژه حقوق به معنای (rights) است. (شریعتی، ۱۳۸۴، ص ۲۱ - ۲۲)

مفهوم کارشناسی

کارشناسی از نظر لغوی به معنای معرفت امور، خبرگی، شناسایی کار و خبرویت می‌باشد (معین، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸۹). از نظر حقوقی، کارشناسی عبارت از آئینی است که هدف آن استفاده از معلومات یک شخص فنی بوده تا موضوعی که حل آن نیاز به صلاحیت تکنیکی دارد و قاضی از آن محروم است، روشن شود (علی آبادی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۵)، زیرا وظیفه اصلی قاضی بررسی مسائل موضوعی ادعا به منظور کشف حقایق و انطباق آن‌ها با دلایل و مدارک و در نهایت امر، تعیین حکم قانون نسبت به آن‌هاست و لازم نیست که به کلیه رموز علمی و فنی که ممکن است در جریان امر قضا برای او پیش می‌آید، شخصاً آشنایی و شناخت داشته باشد و در این موارد می‌تواند برخی از مسائل خود را با کمک اشخاص متخصص حل و فصل نماید.

مفهوم کارشناس

از لحاظ لغوی کارشناس به معنای (دانای کار و حاذق در کار (ناظم الاطباء)، دانشمند، بخرد، خیره و متخصص) می‌باشد و معنای لغوی کارشناسی این‌گونه بیان شده: معرفت و شناسایی کار (ناظم الاطباء)، خیرگی و خبرویت (معین، همان). در ترمینولوژی متون، کارشناسی این‌گونه تعریف شده است: ((کارشناس کسی است که در فنی خیره است (ماده ۴۴۶ آ‌م سابق)

بند الف ماده یک آئین‌نامه تشخیص صلاحیت و طبقه‌بندی مهندسان مشاور و کارشناس مصوب ۱۳۵۹/۳/۱ شورای انقلاب، کارشناس را این‌گونه تعریف می‌کند: (شخصی است حقیقی که در رشته یا رشته‌های خاص، پس از خاتمه تحصیلات دانشگاهی حداقل معادل لیسانس، تخصص و تجربه داشته و سابقه یا خدمات او طبق این آئین‌نامه در حدود متعارف مورد رسیدگی و تایید سازمان قرار گرفته است).

در ماده ۹ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ کارشناس این‌گونه تعریف شده است: کارشناس در این قانون به کسی اطلاق می‌شود که در رشته موردنظر دارای تحصیلات عالی یا تخصص بوده یا بر اثر ممارست خیره باشد، تشخیص خیره بودن با اتاق اصناف می‌باشد. (دوستدار، ۱۳۹۰، ص ۱۴)

اقسام کارشناسی

کارشناسان را در ایران می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد:
الف- کارشناسان رسمی ب- کارشناسان غیررسمی یا خیره

کارشناس رسمی

طبق تعاریف موجود در خصوص کارشناسی هر شخص که در رشته‌هایی مختلف تخصص داشته باشد، مانند پزشک در امور پزشکی، مهندس راه و ساختمان در امور ساختمان و غیره، می‌تواند در آن رشته خاص خود صاحب‌نظر و کارشناس باشد؛ ولی این افراد زمانی کارشناس رسمی محسوب می‌شوند که عضو کانون کارشناسان بوده و از این مرجع غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی مدرک لازم را در خصوص کارشناسی در زمینه تخصصی خود را دریافت نموده باشند، در این صورت کارشناس رسمی محسوب می‌شوند. (دوستدار، همان)

کارشناسان موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه (مرکز امور مشاوران قوه قضائیه) نیز به لحاظ این که پس از طی مراحل قانونی پروانه کارشناسی دریافت می کنند، کارشناس رسمی هستند.

کارشناس غیررسمی (خبیره)

کارشناس خبیره اصطلاحاً به کارشناسی گفته می شود که شخص قاضی مستقیماً به تعهد و تخصص وی آگاهی دارد و از کارشناسانی نیست که پروانه کارشناسی داشته باشد و یا لاقلاً از کسانی نیست که در موضوع مورد بررسی پروانه ثبت شده داشته باشد.

حقوق کارشناسان رسمی دادگستری

حق به اعتبار مالیت و ارزش پولی به حقوق مالی و غیرمالی تقسیم می گردد.

حقوق مالی

حق مالی آنست که اجرای آن مستقیماً برای دارنده ایجاد منفعتی نماید که قابل تقویم به پول باشد، مانند حق مالکیت نسبت به خانه که مستقیماً برای دارنده آن ارزش پولی دارد. حق مالی قابل اسقاط و انتقال به غیر است، مثلاً مالک می تواند حق مالکیت خود را به سببی از اسباب به غیر واگذار نماید و یا از آن اعراض کند. همچنین است طلب از دیگری که بستانکار می تواند به غیر واگذار نماید و یا مدیون را از آن ابراء کند. (امامی، ۱۳۷۶، ص ۴)

دستمزد (حق الزحمه) کارشناسی

حق الزحمه در لغت نامه های فارسی در معانی مزدکار و زحمت و دستمزد به کار رفته و بی تردید کارشناس نیز مانند هر شخص دیگری درقبال انجام کارشناسی که می کند، مستحق دریافت دستمزد و حق الزحمه است.

ماده ۲۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری و مواد ۵۶۰ و تبصره ۱ ماده ۶۱۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۳۰۲ قانون منسوخ آدک ۱۳۷۸ و مواد ۲۵۹ و ۲۶۴ آدک به هزینه کارشناسی پرداخته است که باید طبق مقررات موجود و تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی مصوب ریاست قوه قضائیه پرداخت شود.

مسئولیت پرداخت دستمزد کارشناسی در پرونده‌های حقوقی

بخش نخست ماده ۲۵۹ آدام تقاضای کارشناسی را مسئول پرداخت دستمزد می‌داند و در ادامه چنانچه قرار کارشناسی به تشخیص دادگاه باشد و بدون کارشناسی، دادگاه نتواند رای صادر نماید، در مرحله بدوی، خواهان و در مرحله تجدیدنظر، تجدیدنظرخواه مسئول پرداخت دستمزد کارشناسی است.

گاه در پرونده‌های حقوقی، طرفین پرونده (چه در مرحله بدوی باشد یا مرحله تجدیدنظر) مشترکاً تقاضای ارجاع امر به کارشناسی را می‌نمایند که با توجه به سکوت قانون‌گذار و عدم صراحت قانونی در این خصوص تعابیر متعددی نسبت به موضوع می‌شود که در این میان نظریه شماره ۷/۳۰۸۸ مورخ ۸۰/۳/۳۰ اداره حقوقی قوه قضائیه قابل تامل است. در نظریه مذکور بیان شده است در ق.آ.د.م ۱۳۷۹ راجع به نحوه پرداخت دستمزد کارشناس در مواردی که جلب نظر کارشناس بنابه تقاضای متداعیین باشد تعیین تکلیف نشده است؛ لذا به نظر می‌رسد چنانچه خواهان برای اثبات دعوی خود جلب نظر کارشناس را تقاضا نموده است، ولو این که خوانده نیز به ارجاع امر به کارشناس متوسل شده باشد، تودیع حق الزحمه کارشناس با توجه به ماده ۲۵۹ قانون مذکور به عهده خواهان دعوی می‌باشد.

علاوه بر نظر برخی از اساتید علم حقوق، در رویه قضایی نیز چنانچه در پرونده‌ای طرفین پرونده با هم تقاضای ارجاع امر به کارشناسی را نمایند و یا به نظریه کارشناسی اعتراض و درخواست ارجاع به هیات کارشناسی بالاتر را داشته باشند، با در نظر گرفتن عدالت و انصاف قضایی هر یک از اصحاب پرونده را بالمناصفه مسئول پرداخت نصف دستمزد کارشناسی می‌دانند. به نظر می‌رسد نظر دوم و رویه قضایی موجود در محاکم برعکس نظریه اداره حقوقی با اصل عدالت و انصاف سازگارتر باشد.

ضمانت اجرای عدم پرداخت دستمزد کارشناسی در پرونده‌های حقوقی

مواد ۲۵۹ و ۲۶۴ آدام به نحوه تعیین دستمزد کارشناسی و ضمانت اجرای عدم پرداخت دستمزد کارشناسی پرداخته و بسته به این که اصحاب دعوی تقاضای ارجاع امر به کارشناس نمایند، یا این که دادگاه و مقام قضایی به تشخیص خود، اقدام به ارجاع امر به کارشناس نماید و یا دادگاه پس از اعتراض اصحاب دعوی به نظریه کارشناسی درصدد ارجاع امر به هیات کارشناسی باشد، مسئول پرداخت دستمزد کارشناسی را تعیین کرده است.

به دلالت ماده ۲۵۹ آ.م.د چنانچه یکی از اصحاب دعوی تقاضای ارجاع امر به کارشناسی نماید، مسئولیت پرداخت دستمزد به عهده متقاضی کارشناسی می‌باشد و چنانچه دادگاه به لحاظ تخصصی بودن امر، رأساً بدون تقاضای طرفین پرونده موضوع را به کارشناسی ارجاع نماید، در مرحله بدوی مسئولیت پرداخت دستمزد با خواهان و در مرحله تجدیدنظر با تجدیدنظرخواه می‌باشد و در خصوص ضمانت اجرای عدم پرداخت دستمزد نیز این ماده قانونی در عین مختصر بودن به شکل کاملاً مفید، زوایای مختلف موضوع را پوشش داده و شرایط مختلف را توضیح می‌دهد. در صورت عدم پرداخت دستمزد توسط متقاضی، چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر، کارشناسی از عداد دلایل متقاضی خارج می‌شود و دادگاه به مدارک و مستندات دیگر پرونده رسیدگی و انشاء رای می‌نماید.

اما در صورتی که ارجاع به کارشناسی حسب تشخیص دادگاه بوده و دادگاه با مدارک و مستندات موجود در پرونده و بدون انجام کارشناسی نتواند انشاء رای نماید و مسئول پرداخت دستمزد نیز از پرداخت دستمزد امتناع نماید، در مرحله بدوی، دادخواست به موجب قرار دادگاه، ابطال می‌گردد و در مرحله تجدیدنظر نیز تجدیدنظرخواهی با قراری که توسط دادگاه تجدیدنظر صادر می‌گردد، متوقف می‌شود که مطابق بخش آخر ماده ۲۵۹، صدور قرار توقف تجدیدنظرخواهی مانع از اجرای حکم بدوی نخواهد بود. به محض صدور قرار توقیف دادرسی (توقف تجدیدنظرخواهی)، تجدیدنظرخوانده (محکوم‌له بدوی) اختیار دارد اجرای حکم بدوی را درخواست نماید و پس از صدور اجرائیه در صورتی که تجدیدنظرخواه دستمزد کارشناسی را پرداخت نماید، رسیدگی تجدیدنظر ادامه یافته و نهایتاً اگر حکم بدوی نقض شود، ماده ۳۹ قانون اجرای احکام مدنی اجرا خواهد شد و در صورتی که حکم بدوی اجرا نشده باشد، اعاده عملیات اجرا موضوعاً متفی خواهد بود.

با توجه به مطالب پیش‌گفته قانون‌گذار در ماده ۲۵۹ آ.م.د، خروج کارشناسی از عداد دلایل متقاضی کارشناسی را در صورتی که اصحاب دعوی تقاضای ارجاع به کارشناسی باشند، به عنوان ضمانت اجرای عدم پرداخت دستمزد تعیین کرده و در صورتی که دادگاه رأساً موضوع را به کارشناسی ارجاع نماید، در مرحله بدوی ابطال دادخواست و در مرحله تجدیدنظر توقف تجدیدنظرخواهی را به عنوان ضمانت اجرایی تعیین کرده است.

اما ممکن است دادگاه به تشخیص خود قرار کارشناسی صادر نماید و یکی از اصحاب دعوی پس از ملاحظه نظریه کارشناسی نسبت به آن اعتراض و تقاضای ارجاع به هیات کارشناسی را نماید

و دادگاه در مقام رسیدگی به اعتراض، موضوع را به کارشناسان دیگر ارجاع نماید؛ اما با ابلاغ دستور پرداخت دستمزد کارشناسی، معترض حق الزحمه اعلامی را در مهلت قانونی پرداخت نکند، در این فرض آیا دادگاه می‌تواند ضمانت اجرای مقرر در ماده ۲۵۹ آ.م. را اعمال نماید؟ این موضوع سابقاً در بین قضات دادگاه‌های حقوقی ۲ وقت تهران مورد تبادل نظر قرار گرفته که مطابق نظر اکثریت، چنانچه تصمیم دادگاه مبنی بر ارجاع موضوع به کارشناس دیگر، اعم از این‌که از سوی طرفین اعتراض شده یا نشده، به‌علت آن بوده که نظر کارشناس نخست را مخالف اوضاع و احوال معلوم و محقق دانسته باشد؛ لیکن کارشناسی مجدد به سبب عدم ایداع دستمزد صورت نپذیرد، دادگاه نباید براساس نظر کارشناس اول مبادرت به صدور رای کند، زیرا نظر کارشناس که به اعتقاد دادگاه مخدوش و نادرست و غیرقابل قبول بوده، نمی‌تواند ملاک و پایه تصمیم قضایی باشد، در این مورد دادگاه باید مطابق با ماده ۴۵۹ آ.م. (ماده ۲۵۹) عمل نماید؛ اما اگر ارجاع امر به کارشناس دیگر، به‌خاطر مخالفت نظر کارشناس اول با اوضاع مسلم قضیه نبوده، بلکه صرفاً در مقام رسیدگی به اعتراض و برای کشف هرچه بیش‌تر واقعیت باشد، به‌طوری‌که اگر اعتراض نمی‌شد، دادگاه می‌توانست از نظر کارشناس تبعیت کند، چنانچه دستمزد برای کارشناس دوم پرداخت نشود و به این علت قرار کارشناسی اجرا نگردد، مانعی ندارد که دادگاه براساس کارشناسی بدوی رای دهد، زیرا تلقی این است که معترض با نسپردن حق الزحمه کارشناس در واقع به اعتراض باقی نمانده و از آن عدول کرده است و مثل موردی است که نظر کارشناس مصون از تعرض مانده و به زعم دادگاه نیز ایرادی متوجه آن نیست. (مهاجری، ۱۳۸۷، صص ۴۳۰ - ۴۳۲)

مسئولیت پرداخت دستمزد کارشناسی در پرونده‌های کیفری

مطابق ماده ۵۶۰ ق. آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، شاکی و متهم بابت هزینه‌ها و حق الزحمه کارشناسان و سایر اشخاصی که به تشخیص مقام قضایی احضار می‌شوند، وجهی نمی‌پردازند و هزینه‌های مذکور از اعتبارات مربوطه به قوه قضائیه پرداخت می‌شود؛ اما هرگاه اقدامات مذکور بنابه درخواست شاکی صورت گیرد، شاکی باید هزینه مقرر را مطابق قوانین و مقررات و تعرفه‌های مربوط پرداخت کند.

براساس تبصره ۱ ماده ۶۱۴ ق آدک ۱۳۹۲ نیز در مواردی که موضوع کارشناسی از امور نظامی باشد یا به تشخیص مرجع قضایی اظهار نظر کارشناسان نیروی مسلح ضروری باشد، نیروهای مسلح باید هزینه کارشناسی را پرداخت نمایند.

ضمانت اجرای عدم پرداخت حق الزحمه کارشناسی در پرونده کیفری

در ماده ۵۶۰ آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۳۰۲ قانون منسوخ آدک ۱۳۷۸ مسئولیت پرداخت حق الزحمه کارشناسی و سایر هزینه‌های دادرسی از قبیل ایاب و ذهاب و غیره پرداخته و مطابق ماده مذکور، چنانچه کارشناس یا مترجم و پزشک و سایر اشخاص به تشخیص مقام قضایی احضار شوند، شاکی مسئولیتی در پرداخت هزینه‌های انجام شده ندارد و هزینه‌های مذکور از اعتبارات مربوط به قوه قضائیه پرداخت می‌شود؛ اما هرگاه اقدامات فوق به تقاضای شاکی انجام شود شاکی باید هزینه‌های مقرر را مطابق قوانین و مقررات و تعرفه‌های مربوط پرداخت نماید.

در ماده ۳۰۲ قانون منسوخ آدک ۱۳۷۸ اشاره‌ای به ضمانت اجرای عدم پرداخت حق الزحمه نشده؛ ولی مطابق ماده ۵۶۰ آدک ۱۳۹۲، چنانچه شاکی از پرداخت هزینه مذکور امتناع نماید، هزینه مذکور از اعتبارات مربوط به قوه قضائیه پرداخت می‌شود و مراتب به اطلاع دادستان می‌رسد تا به دستور وی و از طریق اجرای احکام مدنی، با توقیف و فروش اموال شاکی، با رعایت مستثنیات دین، معادل هزینه پرداخت شده اخذ و به حساب مربوط در خزانه‌داری کل واریز شود. در هر صورت از متهم هیچ هزینه‌ای اخذ نمی‌شود و مطابق تبصره ۱ ماده فوق‌الذکر در صورتی که به تشخیص مقام قضایی، شاکی قادر به پرداخت هزینه‌های فوق نباشد، هزینه از اعتبارات قوه قضائیه پرداخت می‌شود. مبحث دوم از بخش هشتم آئین دادرسی جرائم نیروهای مسلح آدک ۱۳۹۲ نیز به مبحث کارشناسی پرداخته و در تبصره ۱ ماده ۶۱۴ قانون مذکور نیروهای مسلح را مکلف به تامین کارشناسان مورد نیاز در موضوعات و امور نظامی یا موضوعاتی که اظهار نظر کارشناسان نیروی مسلح ضروری باشد، نموده و پرداخت هزینه را نیز به‌عهده نیروهای مسلح قرار داده و متعاقباً در تبصره ۲ ماده ۶۱۴ قانون مذکور، شرایط و نحوه تعیین کارشناس در موارد مربوط به امور نظامی، تعداد و ترکیب هیات‌های کارشناسی، نحوه رسیدگی به تخلفات و پرداخت هزینه آنان را منوط به آئین‌نامه‌ای که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن آدک ۱۳۹۲ توسط ستاد کل نیروهای مسلح و

با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد، نموده است و در ماده ۵۶۷ آذک ۱۳۹۲ اشاره به پیش‌بینی اعتبار مستقل در بودجه سالانه کشور نموده و مقرر می‌دارد در اجرای تکالیف مقرر که به موجب مقررات این قانون، انجام تحقیقات و یا هر اقدام دیگری، مستلزم پرداخت هزینه از سوی دولت است، اعتبار آن هر سال در ردیف مستقلی در بودجه کشور پیش‌بینی و منظور می‌شود.

مابه‌التفاوت (تمه) دستمزد کارشناسی

دستمزد کارشناس، در زمان انشاء قرار کارشناسی مستند به ماده ۲۶۴ آذم، به صورت علی‌الحساب تعیین می‌شود. در متن ماده مارالذکر به علی‌الحساب بودن دستمزد تعیینی اشاره‌ای نشده، ولیکن از مفهوم ماده این چنین برداشت می‌شود که حق‌الزحمه تعیینی، به صورت علی‌الحساب است و در صورت لزوم و صلاح‌دید، دادگاه می‌تواند دستمزد تعیین شده را افزایش دهد، چراکه نص ماده ۲۶۴ بعد از پرداختن به رعایت کمیت و کیفیت و ارزش کار، بیان می‌کند که (هرگاه بعد از اظهارنظر کارشناس، معلوم گردد که حق‌الزحمه تعیین شده متناسب نبوده است، مقدار آن را به طور قطعی تعیین و دستور وصول آن را می‌دهد) به این معناست که ابتدائاً در زمان انشاء قرار، تعیین حق‌الزحمه، غیرقطعی و علی‌الحساب است و متناسب با کار انجام شده چنانچه کم باشد، دادگاه می‌تواند آن را افزایش دهد و در عمل نیز در پرونده‌های قضایی با توجه به این که امر کارشناسی، امری تخصصی است و در بسیاری از موارد بدواً برای قاضی امکان تعیین دستمزد قطعی وجود ندارد؛ لذا بعد از انجام کارشناسی و ارائه نظریه، چنانچه کارشناس از محکمه تقاضای افزایش دستمزد کارشناسی را نماید، دادگاه به صلاح‌دید و تشخیص، حق‌الزحمه را در چارچوب تعرفه افزایش داده و دستور وصول آن را صادر نماید.

ضمانت اجرای عدم پرداخت مابه‌التفاوت حق‌الزحمه کارشناسی

براساس ماده ۲۶۴ قانون آذم، دستمزد کارشناسی باید با رعایت کمیت و کیفیت و ارزش کار تعیین شود و تبصره ۱ ماده ۲ تعرفه دستمزد کارشناسان ۱۳۸۴/۵/۲۳، ریاست قوه قضائیه، تعیین دستمزد کارشناسی متناسب با کمیت و کیفیت کار را به‌عهده مراجع مذکور در متن ماده که از جمله آن‌ها مراجع قضایی می‌باشد، قرار داده است. دادگاه‌ها با توجه کمیت و کیفیت دستمزد کارشناسی را تعیین

می‌نمایند و متقاضی یا خواهان یا تجدیدنظرخواه با توجه به مرحله رسیدگی، حسب دستور دادگاه نسبت به پرداخت مبلغ تعیین شده، اقدام می‌نماید. گاه ممکن است که پس از ابلاغ به کارشناس، جهت بررسی موضوع و ارائه نظریه کارشناسی، کارشناس با مراجعه به دادگاه و بررسی پرونده موضوع کارشناسی، با توجه به حجم و کیفیت و ارزش کار، قبل و یا بعد از انجام کارشناسی، تقاضای افزایش دستمزد را براساس تعرفه کارشناسی می‌نماید و با موافقت دادگاه و ابلاغ به مسئول پرداخت حق‌الزحمه کارشناسی، متقاضی در مهلت قانونی از پرداخت مابه‌التفاوت حق‌الزحمه کارشناسی خودداری می‌نماید.

موضوع ضمانت اجرای عدم پرداخت مابه‌التفاوت حق‌الزحمه کارشناسی را در دو قسمت می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱- ضمانت اجرای عدم پرداخت مابه‌التفاوت حق‌الزحمه کارشناسی قبل از اجرای قرار و ارائه نظر

کارشناسی

برخی معتقدند که عدم پرداخت مابه‌التفاوت دستمزد کارشناسی که کارشناس تقاضا کرده و مورد موافقت دادگاه نیز قرار گرفته، به منزله عدم پرداخت هزینه کارشناسی می‌باشد، زیرا آنچه که متقاضی در مرحله ابتدایی پرداخته است، دستمزد کارشناسی نبوده (یا به عبارتی کل دستمزد کارشناسی نبوده است)، بلکه دستمزد کارشناس با موافقت دادگاه پس از تعیین کم‌وکیف کار، توسط کارشناس تعیین می‌شود؛ بنابراین عدم پرداخت مابه‌التفاوت دستمزد کارشناسی، به منزله عدم پرداخت دستمزد کارشناسی بوده و حسب مورد قرار ابطال دادخواست، صادر و یا کارشناسی از عداد دلایل وی خارج می‌شود؛ بنابراین در این خصوص مقرر است ماده ۲۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی حاکم می‌باشد.

۲- ضمانت اجرای عدم پرداخت مابه‌التفاوت حق‌الزحمه کارشناسی بعد از اجرای قرار و ارائه

نظریه کارشناسی

چنانچه کارشناس پس از انجام کارشناسی و ارائه نظریه کارشناسی، با توجه به کمیت و کیفیت و ارزش کار مطابق تعرفه دستمزد کارشناسان، تقاضای افزایش دستمزد را نماید، آیا می‌توان کماکان موضوع را مشمول ماده ۲۵۹ آدم و ابطال دادخواست بدوی و یا خروج از عداد دلایل متقاضی یا

توقف تجدیدنظرخواهی قلمداد و زحمات انجام شده توسط کارشناس را نادیده گرفت؟ چراکه منطقی و موافق قاعده انصاف و عدالت نیست که کارشناس از دریافت مابقی دستمزد محروم شود. در این خصوص این چنین استدلال شده است که: دادگاه حق الزحمه کارشناس را با رعایت کمیت و کیفیت ارزش تعیین می‌کند. هرگاه بعد از اظهارنظر کارشناس معلوم گردد که حق الزحمه تعیین شده متناسب نبوده است، مقدار آن به‌طور قطعی تعیین و مقدار اولیه دستمزد کارشناس، علی‌الحساب تلقی می‌شود، لذا در صورتی که متعاقب اخطار اولیه، بخشی از دستمزد کارشناس ایداع نشود، این امر موجب ابطال دادخواست یا خروج از عداد دلایل خواهان حسب مورد نخواهد بود. بدیهی است پس از اظهارنظر کارشناس، در صورتی که مابه‌التفاوت دستمزد کارشناسی پرداخت نشود و مطابق بخش آخر ماده ۲۶۴ آ.م. دادگاه دستور وصول آن را صادر خواهد نمود. (مهاجری، ۱۳۸۷، صص ۴۴۴ - ۴۴۷)

تهیه وسیله اجرای قرار کارشناسی

در ماده ۲۵۶ قانون آئین دادرسی مدنی با توجه به متن ماده، قانونی مفصلاً به ضمانت اجرای عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محلی و یا تحقیق محلی پرداخته و در آن به‌طور ضمنی اشاره به مسئولیت متقاضی اجرای قرارهای فوق‌الذکر در تهیه وسیله اجرای قرار می‌نماید، ولیکن از ماده ۲۵۷ تا ماده ۲۶۹ قانون مارالذکر و در مبحث رجوع به کارشناس، مطلبی در خصوص مسئولیت فراهم نمودن وسیله اجرای قرار کارشناسی بیان نشده است. از طرفی در تبصره ۲ ماده ۲ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری ۱۳۹۲ و ماده ۶ و تبصره یک و تبصره ۳ ماده ۶ تعرفه مذکور، صراحتاً به مسئولیت متقاضی کارشناسی در تامین وسیله ایاب و ذهاب اجرای قرار کارشناسی و هزینه‌های ناشی از آن اشاره دارد. براساس تبصره ۳ ماده ۶ تعرفه مذکور، متقاضی کارشناسی مکلف است چنان‌چه اجرای قرار کارشناسی درون شهرها باشد، وسیله ایاب و ذهاب اجرای قرار کارشناسی را فراهم نماید و چنان‌چه اجرای قرار کارشناسی خارج از حوزه فعالیت یا محل اقامت کارشناس یا مستلزم عزیمت به خارج از کشور باشد، علاوه بر تامین وسیله ایاب و ذهاب، محل اقامت مناسب و غذا، فوق‌العاده ماموریت، طبق ماده ۶ تبصره یک آن، بر عهده متقاضی است و چنان‌چه دادگاه رسماً

قرار کارشناسی صادر کرده باشد، مستفاد از مقررات ماده ۲۵۹ آ.م.د، در مرحله بدوی خواهان و در مرحله تجدیدنظر، تجدیدنظرخواه مسئول است.

در خصوص فراهم کردن وسیله اجرای قرار کارشناسی نظریات متعددی از اداره حقوقی قوه قضاییه صادر شده است که در زیر چند مورد بیان می‌شود.

نظریه شماره ۷/۷۸۸۷ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۸

سوال- در مواردی که جلب نظر کارشناس لازم می‌گردد و کارشناس در محل نیست و باید از شهرهای دیگر احضار شود و متقاضی کارشناسی حاضر به تهیه وسیله اجرای قرار نشود، آیا می‌توان از ماده ۴۴۱ استفاده کرد و قرار ابطال دادخواست را صادر نمود یا خیر؟

نظریه اداره حقوقی

اعمال ماده ۴۴۱ (۲۵۶ فعلی) آ.م.د منحصراً مربوط به عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محل است و تسری آن به عدم تهیه وسیله اجرای قرار کارشناسی توجیه قانونی ندارد. در این مورد دادگاه می‌تواند دستمزد کارشناسی را با توجه به فاصله محل کارشناس تا محل اجرای قرار و سایر عوامل تعیین نماید و چنانچه متقاضی درخواست کارشناسی یا کسی که طبق تصمیم دادگاه پرداخت دستمزد به عهده او می‌باشد، از پرداخت آن خودداری نماید، دادگاه براساس ماده ۴۵۹ (۲۵۹ فعلی) قانون مذکور اقدام خواهد کرد.

نظریه شماره ۷/۴۰۲۴ مورخ ۷۷/۶/۹

کارشناس فقط مستحق دریافت دستمزد کارشناسی است و چیز دیگری نمی‌تواند مطالبه کند؛ بنابراین تهیه وسیله ایاب و ذهاب به محل، بر عهده خود او است و اگر فقط به این بهانه از انجام کارشناسی امتناع نماید متخلف است.

ضمانت اجرای عدم تهیه وسیله اجرای قرار کارشناسی

در مواد ۲۵۷ تا ۲۶۹ آ.م.د در خصوص تامین وسیله اجرای قرار کارشناسی مطلبی بیان نشده و ضمانت اجرای آن نیز در آئین دادرسی مدنی پیش‌بینی نشده است. با این توصیف در خصوص ضمانت اجرای عدم تهیه وسیله اجرای قرار کارشناسی، برخی معتقدند با توجه به سکوت قانون آئین دادرسی مدنی در مبحث کارشناسی در خصوص موضوع، باید با استفاده از ملاک ماده ۴۴۱ قانون آئین دادرسی

سابق و ماده ۲۵۶ آدَم ۱۳۷۹ که در آن، عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محلی یا تحقیق محلی توسط متقاضی را موجب خروج آن از عداد دلایل وی می‌داند، در قرار کارشناسی نیز چنانچه متقاضی، وسیله اجرای قرار کارشناسی را تامین نکند، باید کارشناسی را از عداد دلایل متقاضی خارج نمود و در صورتی که به علت عدم تهیه وسیله توسط خواهان، اجرای قرار مقدور نباشد و بدون انجام کارشناسی دادگاه نتواند حکم دهد، دادخواست ابطال گردد.

در این خصوص می‌توان به اتفاق نظر قضات دادگاه‌های حقوقی ۲ تهران که در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۲ در این خصوص اظهار نظر کرده‌اند، اشاره کرد که جهت تبیین موضوع عیناً بیان می‌شود: همان طوری که با وجود سکوت قانون در مورد تحقیق محلی معمول است، نسبت به قرار کارشناسی نیز می‌توان از ملاک ماده ۴۴۱ آدَم (ماده ۲۵۶ در قانون جدید جانشین ماده ۴۴۱ قانون سابق است.) استفاده نمود، به این معنی که اگر قرار کارشناسی به تقاضای یکی از طرفین صادر شده باشد، عدم تهیه وسیله اجرای قرار از ناحیه متقاضی، سبب خروج این دلیل از عداد دلایل درخواست کننده می‌شود و چنانچه دادگاه راساً مبادرت به صدور قرار کارشناسی کرده باشد، تهیه وسیله اجرای آن با خواهان است و در صورتی که به علت عدم تهیه وسیله توسط خواهان، اجرای قرار مقدور نباشد و بدون انجام کارشناسی دادگاه نتواند حکم دهد، دادخواست ابطال می‌گردد. همان گونه که نظر کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی هم موید این معنی است و اگر برای فیصله کار شیوه مذکور اتخاذ نگردد، با تجدید جلسات مکرر پرونده در حال بلاتکلیفی خواهد ماند.

در نقطه مقابل می‌توان به نظریه شماره ۷/۴۰۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۶/۹ و نظریه شماره ۷/۷۸۸۷ مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۸ اشاره کرد:

نظریه شماره ۷/۴۰۲۴ مورخ ۷/۶/۹ اداره حقوقی قوه قضائیه
کارشناس فقط مستحق دریافت دستمزد کارشناسی است و چیز دیگری نمی‌تواند مطالبه کند؛ بنابراین تهیه وسیله ایاب و ذهاب به محل بر عهده خود اوست و اگر فقط به این بهانه از انجام کارشناسی امتناع نماید متخلف است. این نظریه با تبصره ۲ ماده ۲ تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری و ماده ۶ و تبصره‌های یک و سه آن که متقاضی کارشناسی را مسئول تهیه و تامین وسیله ایاب و ذهاب و اجرای قرار معرفی می‌کند، مغایر است.

نظریه شماره ۷/۷۸۸۷ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه

سوال: در مواردی که جلب نظر کارشناس لازم می‌گردد و کارشناس در محل نیست و باید از شهرهای دیگر احضار شود و متقاضی کارشناسی حاضر به تهیه وسیله اجرای قرار نشود، آیا می‌توان از ماده ۴۴۱ (۲۵۶) استفاده کرد و قرار ابطال دادخواست را صادر نمود یا خیر؟

نظریه اداره حقوقی: اعمال ماده ۴۴۱ آدم منحصراً مربوط به عدم تهیه وسیله اجرای قرار معاینه محلی است و تسری آن به عدم تهیه وسیله اجرای قرار کارشناسی توجیه قانونی ندارد. در این مورد دادگاه می‌تواند دستمزد کارشناسی را با توجه به فاصله محل کارشناس تا محل اجرای قرار و سایر عوامل تعیین نماید و چنانچه متقاضی درخواست کارشناسی یا کسی که طبق تصمیم دادگاه پرداخت دستمزد به عهده او می‌باشد، از پرداخت آن خودداری نماید، دادگاه براساس ماده ۴۵۹ قانون مذکور اقدام خواهد کرد.

با بررسی دقیق ماده ۶ قانون تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی ۱۳۹۲ و نظریه شماره ۷/۷۸۸۷ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۸ و با نیم‌نگاهی به ماده ۲۶۴ قانون آئین دادرسی مدنی این موضوع را این‌گونه می‌توان بیان کرد که در هر حال تهیه وسیله اجرای قرار کارشناسی به عهده متقاضی کارشناسی است؛ ولیکن در صورت امتناع و خودداری متقاضی از انجام وظیفه و تهیه وسیله اجرای قرار، دادگاه مجاز به خروج کارشناسی از عداد دلایل متقاضی نیست و می‌تواند در اجرای ماده ۲۶۴ آدم و با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت و ارزش کار و هزینه‌های اجرای قرار، حق‌الزحمه کارشناسی را تعیین نماید و پرداخت دستمزد کارشناسی به عهده متقاضی است، حال پس از تعیین دستمزد متناسب، چنانچه متقاضی از پرداخت حق‌الزحمه خودداری نماید، ضمانت اجرای عدم پرداخت دستمزد نسبت به وی اعمال خواهد شد و کارشناس نیز چنانچه به بهانه عدم تهیه وسیله اجرای قرار از کارشناسی امتناع نماید، مرتکب تخلف شده است.

بیمه و بازنشستگی

کارشناسان رسمی با توجه به این‌که در خصوص اشتغال به کارشناسی، هیچ‌گونه رابطه‌ی استخدامی با کانون و مرکز مشاوران و دولت و سایر نهادها ندارند و صرفاً پس از قبولی در آزمون و طی مراحل قانونی و اخذ پروانه کارشناسی، به عضویت کانون کارشناسان و یا مرکز امور مشاوران قوه قضائیه درمی‌آیند و با پرداخت حق عضویت و سایر هزینه‌ها، پروانه کارشناسی خود را تمدید و هر زمان که

امر کارشناسی به ایشان ارجاع می‌شود، با رعایت موازین قانونی اقدام به کارشناسی و ارائه نظریه می‌نمایند، از مزایای بیمه برخوردار نیستند؛ مگر این که خارج از ارتباط با کانون یا مرکز امور مشاوران، مستخدم نهاد یا مرکز دیگری باشند و به واسطه‌ی رابطه‌ی استخدامی که داشته و دارند، از مزایای بیمه استفاده نمایند و یا این که از مزایای بیمه خویش فرما استفاده نمایند؛ والا کارشناسان رسمی به واسطه اشتغال به کارشناسی، از مزایای بیمه برخوردار نیستند.

از سوی دیگر چون رابطه استخدامی ندارند، طبعاً از طریق کانون کارشناسان یا مرکز مشاوران و به واسطه کارشناس بودن، برای کارشناسان امکان بازنشستگی و یا برخورداری از حمایت در زمان از کارافتادگی نیز وجود ندارد.

با توجه به این که از کارشناسان می‌توان به‌عنوان بازوان دستگاه قضایی در جهت نیل به عدالت و انصاف که هدف اصلی دستگاه قضایی است، یاد کرد و این که کارشناسان بسان یک مامور در خدمت دستگاه قضایی و سایر دستگاه‌ها ارائه خدمت می‌نمایند، جای بسی تامل است که از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی مثل خدمات بیمه و بازنشستگی محروم باشند و به‌نظر می‌رسد در این راستا اقدامات موثری باید انجام پذیرد.

حقوق غیرمالی

حق غیرمالی آنست که اجرای آن، منفعتی که مستقیماً قابل تقویم به پول باشد، ایجاد نماید؛ مانند حق بنوت، حق زوجیت و امثال آن. بعضی از حقوق مالی هستند که غیرمستقیم ممکن است ایجاد حقی نمایند که قابل تقویم به پول باشد، ولی این امر آن را حق مالی نمی‌گرداند، مانند زوجیت که ایجاد حق نفقه برای زوجه و توارث برای زوجین می‌نماید که آن قابل تقویم به پول است. حقوق غیرمالی قابل واگذاری به غیر نمی‌باشد و بعضی از آن‌ها به‌سبب مخصوصی قابل زوال است، مانند زوجیت که به‌وسیله فسخ نکاح و طلاق منحل می‌شود و بعضی دیگر دائمی و غیرقابل زوال است، مانند بنوت که به هیچ‌وجه پدر و مادر نمی‌توانند نسبت مزبور را از خود سلب نمایند. (امامی، ۱۳۷۶، ص ۴)

عدالت در ارجاع

جهت بررسی این حق از حقوق کارشناسان که هرچند دارای اثرات مالی است، ولیکن خود از حقوق غیرمالی است که قابل تقویم به پول و قابل واگذاری به غیر نیست و صرفاً از منظر عدالت باید به آن نگاه کرد.

درانتخاب کارشناس و ارجاع به کارشناس چنانچه قید قرعه رعایت شود، تا حدودی شرایط برای کلیه کارشناسان رشته موردنظر جهت کارشناسی، به طور یکسان و مساوی به وجود می‌آید، ولیکن به لحاظ این که تعداد کارشناسان یک رشته در کانون محل اجرای قرار کارشناسی، در حال حاضر بسیار زیاد است؛ لذا این امکان وجود ندارد تا از میان کل کارشناسان موجود به قید قرعه انتخاب نمود و قاضی تنها می‌تواند با رعایت صلاحیت و وثاقت و توانایی‌های فنی کارشناسان، تعدادی از آن‌ها را که باید از کارشناس یا کارشناسان مورد نیاز بیش‌تر، باشند تعیین و از میان آن‌ها به قید قرعه کارشناس مورد نیاز خود را انتخاب و امر کارشناسی را به وی ارجاع نماید.

از طرفی در میان کارشناسان موجود در کانون کارشناسان رسمی دادگستری و کارشناسان مرکز امور مشاوران قوه قضائیه (ماده ۱۸۷)، بسیاری از کارشناسان هستند که مدت‌ها با پرداخت هزینه‌های قانونی، پروانه کارشناسی خود را تمدید می‌کنند؛ ولیکن در سال حتی یک کارشناسی نیز از سوی محاکم به آن‌ها ارجاع نمی‌شود. با بررسی موضوع شاید در ظاهر به این نتیجه برسیم که آن‌چه مدنظر دادگاه قرار می‌گیرد و اهمیت بیشتری دارد، وثاقت و صلاحیت علمی و فنی کارشناس است و با این اوصاف کارشناسانی را می‌توان در نظر گرفت که به لحاظ عدم شناخت نسبت به ایشان از سوی قاضی، پرونده‌ای به ایشان ارجاع نمی‌شود، در حالی که در مقابل کارشناسانی را می‌توان یافت که به لحاظ شناخته شدن در محاکم، حتی به دلیل کثرت کار، توان انجام کارشناسی در موعد مقرر دادگاه را ندارند و درآمد بسیار بالایی کسب می‌کنند. شرایط مذکور اساساً با عدالت و انصاف سازگار نیست. در جهت ایجاد عدالت در ارجاع امر به کارشناسان، مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد بسیار قابل توجه است. شورای اسلامی شهر مقدس مشهد در مصوبه‌ای با موضوع تعدیل ارجاع کارشناسی در شهرداری و سازمان‌های تابعه و در تاریخ ۹۳/۷/۲۷ ماده واحده‌ای را با ۵ تبصره تصویب و جهت اجرا به شهرداری شهر مشهد مقدس ابلاغ نموده است. متن ماده واحده به شرح ذیل است:

ماده واحده- از ابتدای سال ۱۳۹۴ ارجاع کارشناسی در شهرداری و سازمان‌های تابعه به کارشناسانی که مجموع اجرت کارشناسی محوله به آن‌ها در سال به سقف یک میلیارد ریال برسد، ممنوع است، اعم از این که کارشناس مذکور به عنوان کارشناس شهرداری، یا مرضی‌الطرفین تعیین شده باشد.

این مصوبه را می‌توان گامی بلند در جهت نزدیک شدن به عدالت در ارجاع کارشناسی در نظر گرفت. هرچند شاید در اجرا با مشکلاتی روبرو شود؛ ولیکن به لحاظ نفس کار، اقدامی شایسته و قابل توجه است و کانون کارشناسان رسمی دادگستری و محاکم نیز می‌توانند ضمن هماهنگی و پیش‌بینی راهکارهای موثر، این اقدام را توسعه دهند و با ایجاد شرایطی خاص، بستر را برای نزدیک شدن به عدالت در ارجاع فراهم نمایند تا کارشناسان نیز در سایه عدالت با انگیزه مضاعف انجام وظیفه نمایند.

استقلال در نظریه کارشناسی

در حقوق برخی کشورهای عربی به کارشناس اجازه داده شده تا در صورتی که در انجام کارشناسی، نیاز به کمک گرفتن از کارشناس دیگری داشته باشد، راساً از آن کارشناس استفاده نماید و استفاده از کارشناس دیگر جزئی از اقدامات کارشناس منتخب برای اجرای کارشناسی محسوب می‌شود و در نهایت نظر کارشناسی را کارشناس منتخب دادگاه اعلام می‌نماید و مسئولیت ناشی از نظریه با کارشناس منتخب (کارشناس اول) است. در قوانین کشور ما استفاده از کارشناس دیگر در اجرای کارشناسی پیش‌بینی نشده و در رویه جاری نیز چنانچه کارشناس منتخب احتیاج به کمک گرفتن از کارشناس دیگری داشته باشد، باید از دادگاه تقاضای صدور دستور نماید و این امر با اطلاع دادگاه و صدور قرار کارشناسی جدید در خصوص موضوع مورد نظر امکان‌پذیر است، چراکه کارشناسی امری تخصصی و فنی است و موضوعی که کارشناس اول، اظهار نظر در مورد آن را پذیرفته، در تخصص اوست و موضوع دیگر که نیاز به کمک و اظهار نظر دارد، خارج از صلاحیت و تخصص اوست و برای ارجاع امر جدید به کارشناس باید قرار کارشناسی جداگانه صادر نمود. با توجه به این که صدور قرار جدید کارشناسی، موجبات اطاله دادرسی را فراهم می‌کند، به نظر می‌رسد، باید برای کارشناس این حق را قائل شد تا بتواند در صورت نیاز و لزوم از کارشناس دیگر کمک بگیرد.

از سوی دیگر کارشناس نیز باید مانند قاضی در اظهارنظر کارشناسی کاملاً مستقل و به دور از هرگونه تاثیرپذیری از جانب اصحاب پرونده یا هر نهاد دیگر مبادرت به اظهارنظر کارشناسی کند و نباید تحت فشارهای جانبی نسبت به موضوع اظهارنظر نماید که اگر چنین کند، علاوه بر این که مرتکب تخلف شده، موجبات تضییع حقوق دیگران را نیز فراهم کرده است.

مصونیت کارشناس در برابر توهین

در ماده ۲۰ لایحه استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب شورای انقلاب آمده بود: ((هرکس در حین انجام وظیفه‌ی کارشناسی یا به سبب آن نسبت به کارشناس رسمی دادگستری توهین نماید، به حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز الی سه ماه محکوم خواهد شد.))

مطابق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) ((توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.)) که البته این ماده اشاره به توهین به افراد عادی دارد.

براساس ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) ((هرکس با توجه به سمت یکی از روسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام یا به سبب آن توهین نماید، به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود که ناظر به توهین به کارگزاران دولتی است.

با توجه به این که در هنگام کارشناسی ممکن است شخصی از اصحاب پرونده، به کارشناس توهین کند، ماده ۲۰ لایحه استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸/۸/۱، ضمانت اجرای کیفری مناسبی، برای مصونیت و انجام وظیفه کارشناسی بود؛ چراکه در عمل می‌توانست اهرم مناسبی برای حفظ شان کارشناس و جلوگیری از توهین به کارشناس باشد؛ ولیکن با عنایت به این که مطابق ماده ۴۱ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸، قوانین سابق از قبیل قانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷/۱۱/۲۳ و قانون اصلاح قانون کارشناسان رسمی وزرات دادگستری مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴ و لایحه استقلال کانون مصوب ۱۳۵۸/۸/۱ که به صراحت از

آن‌ها نام برده، لغو شده و چنین ضمانت اجرای کیفری در قانون کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸ پیش‌بینی نشده است؛ لذا باید با بررسی قوانین و مقررات دیگر، به دنبال مستمسک قانونی و ضمانت اجرای دیگری برای جلوگیری از توهین به کارشناس بود.

در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) که ناظر به توهین به اشخاص معین می‌باشد، در آن علاوه بر شخصیت‌های سیاسی و غیره، مستخدمان کشور را به نحو جامع‌تری تصریح نموده و آن‌ها را مورد حمایت خاص جزائی قرار داده است، در مورد توهین به مامور دولت توجه و احراز دو امر لازم و ضروری می‌نماید.

۱- وضعیت و رابطه استخدامی مامور

۲- وقوع توهین در حال انجام وظیفه و یا به سبب انجام وظیفه

حال با عنایت به این‌که مطابق ماده ۱ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری، کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری دارای شخصیت حقوقی مستقل غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی می‌باشند و کارشناسان رسمی رابطه استخدامی با دولت ندارند و صرفاً با پرداخت حق عضویت به کانون کارشناسان رسمی و در ازای دریافت دستمزد، مبادرت به انجام کارشناسی می‌نمایند، آیا مشمول ماده مذکور هستند یا خیر؟ جای بسی تامل است؟ چراکه از طرفی در ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، اشخاص مشمول مقررات این ماده به تصریح احصاء شده‌اند و کارشناسان رسمی به واسطه کارشناس بودن، رابطه استخدامی با دولت ندارند؛ ولیکن از سوی دیگر با توجه به این‌که کارشناسی در اموری که از سوی مراجع قضایی به ایشان ارجاع می‌شود در اجرای دستور مقام قضایی و در راستای نیل به اهداف دستگاه قضایی و حل شدن پرونده‌های قضایی، مبادرت به انجام کارشناسی می‌نماید و از این حیث کارشناس را می‌توان مامور دستگاه قضایی در چارچوب ماموریت محوله که همانا کارشناسی می‌باشد، در نظر گرفته و مورد حمایت قانونی قرار داد، علی‌ای حال با اوصاف مذکور می‌توان این مورد را در یک تقسیم‌بندی به دو قسمت با شرایط متفاوت احصاء نمود که عبارت است از:

۱- زمانی که کارشناسی به دستور مقام قضایی و برای حل پرونده‌های قضایی انجام می‌شود.

۲- زمانی که کارشناسی به درخواست اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر انجام می‌شود.

مقاله ۴. کارشناسان رسمی دادگستری در حقوق ایران ۱۰۳

در صورتی که کارشناسی به دستور دادگاه باشد، می‌توان کارشناس را مامور دولت برشمرده و مورد حمایت قانونی قرارداد و در حالت دوم که کارشناسی به درخواست سایر اشخاص انجام می‌شود، بدون هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باید بیان کرد که مضمول ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) نمی‌شود و در این شرایط چاره‌ای جز این که به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مراجعه شود، باقی نمی‌ماند و صرفاً باید مورد را از مصادیق توهین ساده و مضمول ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) دانست.

نظر اکثر نویسندگانی که به این بحث پرداخته‌اند نیز این است که توهین به کارشناس به لحاظ عدم وجود رابطه استخدامی با دولت صرفاً منطبق ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) بوده و پس از تصویب قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸ و لغو قوانین سابق از قبیل لایحه استقلال کانون کارشناسان مصوب ۱۳۵۸/۸/۱ شورای انقلاب مستند قانونی که به‌طور خاص برای حمایت جزایی از کارشناس رسمی بتوان به آن استناد کرد، وجود ندارد.

منابع

قرآن کریم

- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۷۶
- شریعتی، سعید، حقوق ملت و دولت در قانون اساسی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۴
- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، تهران، انتشارات رودکی، ۱۳۶۱
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۶
- مهاجری، علی، مبسوط در آئین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۷
- دوستدار، محمدرضا، مسئولیت مدنی کارشناسان رسمی دادگستری، به راهنمایی هدایت‌اله سلطانی نژاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، بهار ۱۳۹۰
- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱
- قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)
- قانون تعرفه دستمزد کارشناسان مصوب ۱۳۹۲
- لایحه استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب شورای انقلاب ۱۳۵۸